

معرفی کتاب: معارف اسلامی 1 ویراست دوم یا بعد، تألیف محمد سعیدی مهر و امیر دیوانی، انتشارات معارف معارف اسلامی:

خدا شناسی: انسانها با فطرت خداجویی هزاران سال پیش، قبل از ایجاد تمدن، خدا جو بوده اند چرا که خداوند 124,000 پیامبر مبعوث نمود تا انسانها را هدایت کند و این خود نشان دهنده ذات و فطرت خداجویی انسان است.

خدا شناسی در روابط اجتماعی، فردی، سیاسی چه تأثیری در زندگی ما دارد: دو نفر که یکی ملهد و یکی خدانشناس باشد با هم فرق میکنند. یعنی آنکه خدا را قبول دارد راه و روش درستی را در زندگی بر میدارد. و در زندگی موفق است.

دو اصل خدانشناسی مطرح است:

1- دفع خطر احتمالی: یعنی اگر یک درصد هم احساس وجود خطر باشد باید برای دفع خطر کوشش کنیم. در مورد وجود خدا نیز اگر یک درصد هم احساس به وجود خدا ببریم باید بگوئیم خدا هم وجود دارد و احکامی برای ما وصف شده مثل واجب - مستحب - مباح - مکروه - حرام.

2- وجوب شکر مُنعِم = نعمت دهنده « تشکر از خالق »

اصول دین بر پایه پنج اصل (احکام خمسه) استوار است: 1- واجب = باید انجام داد

2- مستحب = انجام دادن آن خوب است

3- مباح = انجام دادن و ندادن آن فرقی نمیکند

4- مکروه = بهتر است انجام نشود

5- حرام = انجام ندادن آن واجب است

برای شناخت خدا دو مرحله وجود دارد:

1- خدایابی: شناخت خداوند = شناخت موجودیت خداوند = « خدایابی » آدمی درمی یابد که خدا هست و این دریافت، انسان را از صف ملحدان و شکاکان جدا میکند و او را به جرگه خدایاوران وارد میسازد

2- خدا شناسی: شناخت اوصاف خداوند و رابطه آن با مخلوق = « خدا شناسی » در این مرحله آدمی با اوصاف و ویژگیهای خداوند آشنا میشود و چند و چون رابطه او را با دیگر موجودات هستی شناسایی میکند  
پایان جلسه اول: تا راههای خدایابی برای جلسه آینده.

جلسه دوم 88/12/04

مهمترین راههای خدایابی:

1- راه دل ( فطرت ) : هرچه مشکلات بیشتری به فکر خداوند میافزیم. افرادی که فطرت خداجویی دارند. حضور معبود را با قلب و جان خویش احساس میکنند و وابستگی عمیق خویش را به مبدئی متعالی، در درون خود می یابند.

2- راه تجربه: گاه آدمی با مشاهده دقیق و اندیشه ورزی در اوصاف و روابط پدیده های تجربی به وجود خداوند و اوصاف او، مانند علم، حکمت و قدرت، رهنمون میگردد. مثال: دانه لوبیایی را مثال میزنیم که از یک نطفه دارد که از همانجا ریشه و ساقه رویداده میشود و ریشه بطرف پایین به دنبال مواد غذایی و ساقه بطرف آسمان میروید. حال اگر دانه را بهر طرف در خاک بگذارند. باز بهمان طریق عمل میکند.

3- راه عقل: براهین منطقی و فلسفی: ویژگیها:

بدلیل پیچیدگی مباحث فلسفه برای کسانی که دستی در بحث های فلسفی ندارند، چندان مفید نیست.

برای آنها تکیه ملحد و کافرند و فقط دلیل فلسفی را قبول دارند میتوانیم دلیل و جهت بیاوریم

راه عقلی خدایابی میتواند در تقویت ایمان دینی مؤثر باشد

برهان وجوب و امکان:

1- تعریف واجب الوجود و ممکن الوجود:

واجب الوجود یعنی وجود آن ضروری است مثل آب نسبتش با تری. یعنی واجب الوجود یعنی خدا

ممکن الوجود یعنی وجودش غیر لازم و غیر ضروری است. مثل آب شیرین که برای شیرین نمود آب باید با یک ماه (شکر) شیرین شود. یعنی ممکن الوجود برای بوجود آمدن نیاز به علت میباشد.

2- اصل علیت: موجود ممکن یا ممکن الوجود که هست و نیست و وجود و عدم وجود آن 50 - 50 است. میتواند باشد و میتواند نباشد.

3- اصل امتناع تسلسل: یعنی در این هستی معلولها و علتها در نهایت ادامه نخواهد داشت.

4- اصل امتناع دور یا دایره: شیئی که با یک یا چند واسطه، علت خودش باشد

دور صریح: یک شی با یک واسطه علت خود باشد. یعنی الف علت ب و ب علت الف، یعنی (غیرممکن).

دور مُضْمَر: یک شی با چند واسطه علت خودش باشد که باز هم غیر ممکن است یعنی الف علت ب و ب علت ج و ج علت الف. یا

جد 15 سال بزرگتر از پدر و پدر با فاصله 15 سال بزرگتر از فرزند. یعنی (غیرممکن و مُحال)

نتیجه از چهار مقدمه فوق:

1- در این هستی تنها یک عضو وجود دارد که هستی و وجود خودش را از جایی نگرفته است یعنی: خدا « واجب الوجود »

2- در این هستی حداقل یک عضو وجود دارد که هستی خودش را از دیگری یا از جای دیگر گرفته است یعنی مخلوق « ممکن الوجود»

مهمترین نیاز انسان به خداوند : نیاز وجودی است یعنی اول خدا باید بوجود بیاورد تا بتوانیم سایر نیازها را داشته باشیم. پایان جلسه دوم : تا اول گفتار دوم.

راههای خداشناسی: ص 62

1- راه عقل:

خداوند بایستی دارای تمامی صفات کلی باشد.

خداوند مرکب نیست (پس خداوند بسیط است.)

2- راه فطرت: فطرت راهی است که با گذر از آن میتوان به شناخت پاره ای اوصاف الهی مانند « یگانگی » دست یافت

3- راه مطالعه جهان طبیعت : از این راه : علم خداوند - قدرت - حکمت - ... مشخص می شود.

4- کشف و شهود باطنی، از این راه جلوه جمال و کمال الهی مشخص می شود.

5- رجوع قرآن و احادیث: هو الله الملك القدوس السلام ... ملك (پادشاه) - قدوس (پاک) - سلام (درود-سلامتی دهنده) - مومن (ایمن

دهنده) - مهیمن (نگهبان) - عزیز - المتبکر (صاحب کبریایی است) - الخالف (خلق کننده) - الخالف باری (خالق ابتدایی) - المصور (بهترین تصویرگر) - له الای اسماء (برای بهترین اسمها).

شناخت یا معانی اوصاف خداوند:

1- علم (خداوند دارد - انسان هم دارد.)

در علم سه دیدگاه وجود دارد:

تفاوت اساسی بین این اوصاف "خداوند و انسان"، انسان مجوز برای همه چیز ندارد.

حی: (خداوند زنده است - انسان هم زنده است)، زنده بودن خداوند و انسان

2- دیدگاه دیگری میگوید: تفاوت اساسی بین خداوند و انسان وجود ندارد.

مثال: عالم (خداوند عالم است و انسان هم عالم است)

3- یک دیدگاه دیگر تفاوت وجود دارد، که برای انسان قید و شرط وجود دارد ولی برای خدا قید و شرط وجود ندارد

مثال:

انسان خداوند

عالم عالم

ازلی نیست ازلی است

ابدی نیست ابدی است

نیاز به ابزار دارد نیاز به ابزار وجود ندارد

علم نسبی است علم خداوند مطلق است

هدف نهایی آفرینش انسان برای چیست:

خداوند برای چی ما را خلق کرد: و ما خَلَقْتُ الْإِنْسَانَ وَ الْأَنْسُ الْإِلَاحِي مِنْ

هدف غایی آفرینش در پرستش خداوند: قرآن هدف غایی آفرینش آدمیان را « پرستش» و «عبودیت» الهی میداند.

پایان جلسه سوم : تا سه صفات ثبوتی

18/12/88

صفات:

1- صفات ثبوتی : صفاتی که در خداوند وجود دارد و ما میتوانیم به او نسبت بدهیم. مثل: کمال - خالق

(1) توحید: به یگانگی خداوند اعتقاد داشته باشیم. در قرآن میفرماید: هیچ خدایی به غیر از من نیست و فقط مرا پرستید.

توحید نظری: اعتقاد قطعی و قلبی به وجود خدا که خدا یکی است.

توحید عملی: جز خدا را نپرستیم (بعنوان الله)

مهم : ویژگی توحید در اسلام : اولین شرط تشرف انسان به اسلام : گفتن « اشهدان لا اله الا الله » یعنی توحید

(2) علم الهی: علم خدا مطلق است . یعنی از قبل و بعد همه چیز آگاه است و میداند

(3) قدرت الهی: اوصاف اشتراکی خدا و انسان است. ( قدرت خدا مطلق است:)

مُحَال ذاتی: اجتماع نقیضین مُحَال است . مثل: شب و روز- سیاهی و سفیدی... -

مُحَال وقوعی

نکته : مُحَال ذاتی و مُحَال وقوعی = عقلی است

مُحَال عادی : آنست که طبق طبیعت مُحَال است اما محال نیست و عقل آنرا مُحَال نمیداند

2- صفات سلبی : صفاتی که در ذات خداوند وجود ندارد و ما نمیتوانیم به او نسبت بدهیم. مثل: ظالم بودن

پایان جلسه چهارم : تا حیات الهی

(4) حیات الهی : از اوصاف اشتراکی بین خداوند و انسان است

چه تفاوتی بین حیات انسان و خداوند است  
فرقهای حی بودن خداوند ازلی است ولی برای انسان ازلی نیست ( یعنی از ابتدا ما وجود نداشته ایم و میتوان حدث زد که شاید ما بعد از 100 یا 1000 سال بعد بوجود آمده باشیم)

فرقهای حی بودن خداوند ابدی است ولی برای انسان ابدی نیست ( یعنی ما طول عمر ابدی نداریم و بیشترین طول عمر مربوط به حضرت نوح (ع) بوده که او هم عمر ابدی نداشته است . و ما نمیتوانیم از آخر زمانی را در نظر بگیریم که خدا بعد از آن نباشد، یعنی خداوند فراتر از زمان است.)  
(5) ازلیت و ابدیت:

ازلیت : نمیتوانیم زمانی را در نظر بگیریم که خدا وجود ندارد  
ابدیت: نمیتوانیم از انتها زمانی را در نظر بگیریم که خدا در آن وجود نداشته باشد.

(6) حکمت الهی: حکیم کسی است که:

به حقایق اشیاء آشنایی دارد: ( یعنی خدا میداندست که کوه ، گل ، انسان را برای چه خلق کرده است)  
در کارش نقصی وجود ندارد: ( یعنی چون خدا کامل است پس کارش نقص ندارد.)

کار عبث و بیهوده انجام نمیدهد

در کارش اغراض و هدف دارد: ( یعنی چون خداوند حکیم است به کسی ظالم نمیکند.)  
حکمت الهی و شرور و فواید آن:

پایان جلسه پنجم : تا سر فواید شرور

شرور: موجوداتی که ظاهر آنها شرور است چرا باید خلق شده باشند این موجودات فوایدی هم دارند مثل سوسک که تجزیه کننده مواد در طبیعت است یا مار که سموم موجود در هوا و اطراف محیط زیست را جذب خود میکند  
فواید شرور:

1- شکوفا شدن استعدادها

2- آزمون الهی : خداوند ما را امتحان میکند ناشکری کردیم ، خداوند از نعمت کم میکند ، به دیگران احسان نمودی به زندگی تو برکت میدهد.

3- بیدارگری: ما خوابیم و زمانی از خواب بیدار میشویم که دیگر دیر شده است

4- قدر شناسی از نعمت های الهی : شکر نعمات خدا که بهترین تشکر نماز است

پایان جلسه ششم : تا نتیجه فواید

معارف اسلامی 89/01/31

استاد صادقی جلسه... :

نتایج فواید شرور:

1- علم ما، نسبت به جهل قطره اقیانوس است

2- هدف نهایی و غایی خلقت انسان تن پروری و تن آسایی نیست

3- بخشی از گرفتاریها و بلاها از اعمال ما میباشد

4- بدلیل قصور علم ما نمیتوانیم همه فواید شرور را تشخیص دهیم

7- هفتمین صفات ثبوتیه خداوند ( عدل الهی ) یعنی برقراری مساوات – برقراری عدالت

بهترین تعریف همان تعبیر امیرالمومنین حضرت علی (ع)

«العدل یضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»

شاخه های عدل الهی:

1- عدل تکوینی: خداوند هیچ استعداد و قابلیت ضایع نمی کند به همان اندازه قابلیت نعمت می دهد.

2- عدل تشریحی : خداوند در وضع قوانین اهمال نمی ورزد و هیچ کس را بیش از توان تکلیف نمی کند.

3- عدل جزایی : چون خداوند عادل است هیچ کس را قبل از اینکه قانون را ابلاغ کرده باشد کسی را مجازات نمی کند و بین جرم

و مجازات خداوند تناسب است.

پایان جلسه هفتم : تا

سوال الف : تفاوت و تبعیض:

تفاوت باید وجود داشته باشد چون با عدالت خداوند سازگاری دارد و جزء قوانین لاینفک طبیعت است

تبعیض : درجایی است که دو گروه یا دو نفر دارای قابلیت بهره یکسانند ولی به یکی امتیاز بیشتر و به یکی امتیاز کمتر و یا اصلاً امتیاز ندهیم این تبعیض است و خداوند در هستی تبعیض قائل نشده است .

سوال ب : مرگ و نیستی:

مرگ از قوانین لاینفک طبیعت است و باید باشد و مرگ نیستی نیست در واقع جابجایی از یکجا به جای دیگر انتقال داده میشود

سوال ج : تناسب کیفر اخروی با گناهان : خدا چون عادل جزائی است مجازات با گناهان مساوات دارد اما در مورد قتل عمد تجسم عینی و قهری عمل یا جرم است = مجازات اخروی

سوال د : عدل الهی و درد و رنج آدمیان : گفتیم خداوند سه عدل (تکوینی - تشریحی - جزایی) است: دارای دو بخش: آیا درد و رنج آدمیان با عدالت خداوند مطابقت دارد؟

بخشی از گرفتاریها از اثرات خود ما است

بخشی از گرفتاریها و بلاها از اثرات اعمال دیگران ( پدر - مادر - دشمن ) است

جلسه نهم : 89/02/14

صفات سلبيه : صفات سلبيه در خداوند وجود ندارد و ما نمیتوانیم به خداوند نسبت دهیم

1- نفی جسمانیت: خداوند فراتر از جسم است و خدا چون نیازمند نیست پس جسم هم نیست از طرفی اجسام ابعاد سه گانه را باید داشته باشند

2- برتر از جهت و مکان است : خداوند در همه جا هست و نمیتواند در یک جا و همچنین بصورت جسم باشد.

3- نفی حلول : خداوند در هیچ شئی حلول نمیکند

4- نفی اتحاد با غیر که بصورت حقیقی و بصورت مجازی مطرح میباشد :

اتحاد حقیقی : این اتحاد حقیقی بین اشیاء و اشخاص وجود ندارد در نتیجه اتحاد حقیقی بین انسان و خداوند به طریق اولی وجود ندارد. اتحاد مجازی : بین افراد این اتحاد وجود دارد و بدلیل ضعف انسان ها و چون خداوند ضعف ندارد در نتیجه با کسی متحد مجازی نیز نمی شود.

5- نفی رویت حی : خداوند را با دیده سر نمی توان دید.

پایان جلسه نهم :

فصل سوم

انسان شناسی: موجودی راز آلود- پراز رمز ، از نظر بعد معنوی هنوز ناشناخته است . و از باب بعد مادی نیز انسان موجود ناشناخته است که بخشی از راز و رمزهای آن هنوز ناشناخته باقی مانده است.

حوزه های تحقیقات در مورد انسان : علمی ، فلسفی ، عرفانی و دینی

انسان شناسی چه اهمیتی دارد؟ حضرت علی میفرماید هر کسی خود را شناخت خدا را شناخته است

انسان دو بعد دارد : مادی و معنوی = مادی ( جسم ) و معنوی (روح)

انسان و حیوان : امتیازهای انسان نسبت به حیوان

1- گرایش به دانایی: انسان بر حسب سرشت خود موجودی دانش جو و کاوشگر است و میل به دانستن در عمق جان او نهفته است.

2- گرایش به زیبایی: هر انسانی زیبایی را بر زشتی ترجیح میدهد و زیبایی خود و محیطی که در آن زندگی میکند و افراد و اشیایی که با آنها در ارتباط است، برای او اهمیت دارد

3- گرایش به اخلاق : یکی از والاترین ابعاد معنوی انسان بعد اخلاقی او است. آدمی بسیاری از اعمال خویش را در چهارچوب اصول و موازین اخلاقی سامان میدهد و اخلاق، هم در انگیزه ها و هم در چند و چون رفتارهای او نقشی تعیین کننده دارد.

4- حس تقدیس و پرستش: گرایش به پرستش موجودی متعالی و نیایش با او بعد دیگری از ابعاد معنوی آدمی را نمایان میسازد

گل سر سبد آفرینش

ویژگی های انسان: انسان نه تنها بر حیوان برتری دارد، که در سایه پاره ای ویژگی ها و امتیازات خویش، در کل جهان آفرینش از موقعیتی ممتاز و منزلتی والا برخوردار است

1- خلیفه خداوند در زمین: انسان تنها موجودی است که به دلیل ظرفیت شگرف وجودی خود به مقام خلافت الهی با یافته است.

2- برترین ظرفیت علمی: قرآن کریم بیان میدارد که خداوند دانش خاصی را به آدم آموخت در حالی که فرشتگان به آن جاهل بودند و پس از اعتراف آنان به نادانی، آدم را دستور داد که از آن دانش ویژه به آنان بیاموزد

3- امانتدار الهی: انسان تنها موجودی است که بار سنگین امانت الهی را بر دوش کشیده است .

4- جهان کار گزار آدمی: امتیاز برای انسان است که انسان به قلب کرات غلبه و آنرا تسخیر نمود

5- مسجود فرشتگان: یعنی با اینکه انسان بعد از فرشتگان خلف شد با این حال خداوند از فرشتگان خواست تا به انسان سجده نمایند

6- کرامت ذاتی

الف: ذاتی: کرامتی ذاتی است که به لحاظ توانایی های ویژه انسان شامل همه آدمیان میگردد:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

ب : اکتسابی : کرامتی است که تنها در سایه ایمان و عمل صالح فراهم میآید و مرتبه کامل آن تنها به پرهیزکاران اختصاص دارد. خودمان باید کرامت را کسب کنیم : إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَنَا... اتَّقَاكُمْ

سوال

کدامیک از آیات زیر جزو کرامت ذاتی میباشد: پاسخ : وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

کدامیک از آیات زیر جزو کرامت اکتسابی میباشد: پاسخ: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَنَا... اتَّقَاكُمْ

روی دیگر سکه:

جبر و اختیار: بطور کلی سه نظریه وجود دارد:

- 1- نظریه تفریطی (یا جبر مطلق): در نظریه آمده که انسان از خود هیچ اختیاری از خود ندارد.
- 2- نظریه افراطی (اختیار مطلق): افراطیون: خداوند از خلقت موجوداتش جبری بوده و بعد از آن همه چیز در اختیار انسان است.
- 3- نظریه عقل بین الامرین (امر بین جبر و اختیار): در بعضی اختیار داریم و در بعضی جبری است. مثل خلقت که جبری است. پرسشی که در مورد جبر و اختیار: گروهی طرفدار جبرند و هیچ یک از اعمال انسان را اختیاری نمی‌دانند و گروهی دیگر، از اختیار انسان جانبداری کرده، او را در پاره ای از رفتارهای خود مختار میدانند.

خداشناسی اسلام و اختیار:

الف: توحید در خالقیت: تنها یگانه خالق و آفریدگار همه چیز خداست

ب: علم ازلی و پیشین خداوند: علم مطلق الهی اقتضا دارد که به هر حادثه و پدیده ای آنچنان که هست، علم داشته باشد

بخشی جبری: حوزه ای که خارج از اختیار آدمی است و وظرفه انسان دین باور، در برخورد با آن

I :

چیزی جز تسلیم و خرسندی نیست

بخشی اختیاری: حوزه ای که شامل افعال اختیاری انسان میشود در این حوزه تقدیر الهی هیچگونه

II:

منافاتی با اعمال اراده و تصمیم گیری آزاد انسان ندارد و از این رو مسئولیت افعال آدمی، در این حوزه، بر عهده خود اوست.

ج: عمومیت اراده الهی: هیچ امری بدون دخالت اراده الهی و بیرون از حوزه مشیت او واقع نمیشود. به اقتضای این

اصل، تمام افعال آدمیان و حتی حالات نفسانی آنان، تابع خواست و اراده خدا است.

قرآن و اختیار انسان: آیات فراوانی هست که به صراحت یا به اشارت از مختار بودن انسان و نقش آفرینی او در اعمال خویش

حکایت میکنند.

کمال انسان: کمال هر چیز در پرتو عنایات و اهداف هستی آن معنا مییابد. هر اندازه یک موجود به اهداف آفرینش خود نزدیکتر

باشد، کاملتر است. کمال انسان کمالی اختیاری و اکتسابی است.

انسان کامل و نیایش: گرایش به نیایش و نیاز به پرستش، یکی از ویژگی هایی است که آدمی را بر حیوانات برتری میبخشد.

نماز زیباترین جلوه نیایش با پروردگار: هر چند ظاهر نماز چیزی بیش از مجموعه ای حرکات و عبارات خاص نیست، حقیقت نماز

بس عمیق تر است. حقایق و اسراری در نماز نهفته است و همین اسرار باطنی است که نماز را در زمره ارکان آن اسلام در آورده و

آن را معراج مؤمنان ساخته است.

اسرار نماز: نماز دارای مراتبی است که از ظاهرترین صورت آن (ذکر پاره ای عبارات و انجام برخی اعمال) آغاز میشود.

و متناظر با مقام معنوی نماز گزار، تا مراتب غیر متناهی معنوی پیش میرود. که البته اسرار و مقامات بی منتهایی در نماز است.

1- وضو: مرتبه ظاهری وضو شستن اعضای وضو، با آب پاک است که در پی آن، پلیدی های ظاهری انسان مرتفع میشود و باطن

وضو تطهیر قلب و جان نماز گزار با آب تجلیات الهی است

2- اذان و اقامه: اذان در لغت عرب به معنای اعلام کردن و آگاه نمودن است و در مرتبه ظاهری اذان اعلام فرارسیدن وقت نماز و

دعوت از مسلمانان. اقامه به معنای بر پا ساختن است و مرتبه ظاهری آن بر پا ساختن نماز و دعوت به مناجات الهی است. ولی مرتبه

باطنی اذان اعلام به تمام هستی است.

3- قیام: ایستادن در حالت متعادل، نمادی است از اعتدال روحی و اخلاقی نماز گزار و تعادل خوف و رجا (نسبت به خداوند) در

وجود او، به گونه ای که نه خوف بر رجا غلبه یابد و نه رجا بر خوف پیشی گیرد.

4- نیت: نیت عبارت است از تصمیم و عزم به انجام دادن یک عمل و نیت را در نماز، مراتبی است که متناظر با مراتب معنوی

نماز گزاران است.

5- قرانت: در قرانت حقایق و لطایف کلام الهی را «در حد فهم خویش» در قلب و جان خود گردانند.

6- رکوع: نماز گزار به مقام ذلت و مسکنت در برابر پروردگار وارد میشود و انوار عظمت ربوبی را مشاهده میکند. رکوع سه

رکن دارد 1- تسبیح 2- تعظیم 3- تحمید.

7- سجده: چشم بستن از غیر خدا است و هجرت کردن از تمام کثرت ها به سوی والاترین مراتب توحید

8- تشهد: حقیقت تشهد بازگشت نماز گزار است از مقام فنا و توحید محض به سوی عالم کثرت، در حالی که دیگر از عالم وحدت

محبوب نیست. از این رو، شهادت میدهد به یگانگی خداوند.

9- سلام: نماز گزار پس از بازگشت از سفر معنوی خویش و خروج از عوالم معنوی که محضر پیامبران و فرشتگان الهی است.

ابتدا به صاحت مقام خاتم المرسلین سلام میگوید و به لحاظ اصالت آن وجود مقدس در نماز.

گفتار چهارم

جهان شناسی: اساساً میتوان پیدایش و رشد بسیاری از علوم بشری را پاسخی به نیاز فطری انسان به جهان شناسی دانست.

جهان شناسی دینی علمی: وجود حقایق جهان شناختی در قرآن، هرگز بدین معنا نیست که قرآن کتاب کیهان شناسی، زمین

شناسی، زیست شناسی، یا امثال آن است؛ بلکه تفاوتهای وجود دارد که قرآن را یکسره از متون علوم طبیعی جدا میکند. و هدف غایی

قرآن، هدایت آدمیان به سوی کمال حقیقی و رستگاری و سعادت است.

غیب و شهادت: یکی از پایه های مخم جهان شناسی اسلامی، تفکیک میان عالم غیب و عالم شهادت است. «غیب» و «شهادت» به معنای «پنهان» و «آشکار» است. مقصود از غیب چیزی است که از حوزه ادراک و آگاهی خارج باشد؛ برخلاف شهادت که قابل ادراک است.

حق مداری جهان: از دیگر اصول برجسته جهان شناسی اسلامی آن است که جهان بر پایه حق آفریده شده و چرخ گردون بر مدار حق میگردد. قرآن کریم در آیات متعددی از حق مداری عالم سخن گفته است: «خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامی معین نیافریده است، و بسیاری از مردم لقای پروردگارشان را سخت منکرند.

هدف مندی آفرینش: حق مداری جهان در مساله هدفمندی عالم خلقت نیز تبلور مییابد. در جهان شناسی اسلامی چنین نیست که کارودان هستی سرگشته و حیران به سوی معقده نامعلوم ره ببوید و برپایه احتمال و تصادف به سمت آینده ای مبهم گام بردارد بلکه آفریدگار جهان آن را به سوی غایتی از پیش تعیین شده رهنمود ساخته است

نظام احسن: حکیم بودن خداوند اقتضا دارد که از میان جهانهای ممکن و بی شمار، بهترین و کاملترین جهان را بیافریند «الذی احسن کل شیء خلقه» همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده»

شعور باطنی و تسبیح عمومی: از نگاه مکاتب مادی گرا، اشیای مادی از هرگونه شعور و ادراکی بی بهره اند؛ اما در جهان شناسی اسلامی، همه اجزای جهان خلقت و حتی پدیده های بی جان عالم طبیعت، نوعی شعور باطنی نسبت به آفریدگار خویش دارند و بر پایه این شعور، به تسبیح او میگویند ولی شما تسبیح آنها را در نمیابید.

خدا و جهان: خداوند نه تنها آفریننده و ایجاد کننده موجودات است بلکه برپا دارنده و تدبیر کننده آنها نیز هست. به دیگر سخن تمان اجزای عالم در لحظه لحظه وجود خویش و مدار و وابسته خداوندند

توحید افعالی: یکی از اصول معارف اسلامی که فهم بهتر رابطه خدا و جهان را آسان میکند. اصل توحید افعالی است درک صحیح توحید افعالی به ما کمک میکند تا عمق رابطه خدا با خلق و حضور جدی اراده و مشیت او را در صحنه عالم دریابیم جهان طبیعت: آفرینش جهان طبیعت؛ از پاره ای آیات قرآن کریم چنین بر میآید که جهان طبیعت در طی شش روز آفریده شده است: در حقیقت پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت.

1- آسمانها و زمین: آیات متعددی از هفت آسمان سخن گفته اند: «الله الذی خلق سبع سماوات»

2- اجرام آسمانی: قرآن اجرام آسمانی را فرمان بردار خداوند میداند و این حقیقت را خاطر نشان نمیکند که حرکات و آثار این اجرام بر پایه برنامه ای است که آفریدگار هستی برای آن رقم زده است

«و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامر»

3- پدیده های زمینی: در آیات فراوانی از پدیده های طبیعی زمین سخن میگویند. کوه ها به مثابه لیگرگاه ها یا میخهایی معرفی شده اند که سبب آرامش و استقرار زمین گردیده از لرزش آن جلوگیری میکنند و نیز میتوانند پناهگاه مناسبی برای انسان ها باشند.

4- جانوران و گیاهان: قرآن به نظام زوجی گیاهان اشاره و بر موزونی و زیبایی آنها تاکید میکند از دیدگاه قرآن خدا است که با نزول باران دانه ها را میرویانند و درختان میوه را به ثمر مینشانند و از این رهگذر آذوقه انسان و حیوانات اهلی و خانگی را فراهم میآورد

جهان ماورای طبیعت:

1- فرشته : یکی از اصول مسلم جهان شناسی اسلامی، وجود موجوداتی است که آنها را «مَلَك» یا «فرشته» میخوانیم در آیات و روایات فراوانی از فرشتگان و ویژگی ها اوصاف و افعال آنان سخن گفته شده است

ماهیت فرشتگان: در قرآن کریم سخن طریخی در باره ماهیت و چپستی فرشتگان و خمیر مایه خلقت آنان نیامده است اما گروهی از دانشمندان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که فرشتگان به کمند خواس ظاهری بشر در نمایند و قابل ادراک حسی نیستند.

عصمت و عبادت فرشتگان: سرشت فرشتگان گوهری تمام عقلانی است و در وجود آنان از امیال نفسانی و خواستههای شهوانی خبری نیست. از این رو همواره به تسبیح و تنزیه پروردگار مشغول اند و هرگز راه مخالفت و عسیان را نمیپیمایند

رسالت الهی: فرشتگان از جانب خداوند رسالتی الهی دارند «الله یصطفی من الملائکه رسلاً» خداوند از میان فرشتگان رسولانی بر میگزیند

کارهای فرشتگان: قرآن کریم کارهای فراوانی را برای فرشتگان برشمرده است وساطت در نزول وحی و ابلاغ پیام الهی به پیامبران، تدبیر امور عالم و وساطت در وصول فیض الهی به مخلوقات، استغفار و شفاعت برای مؤمنان و امداد آنان لعن کافران ثبت اعمال بندگان و قبض روح آنان در هنگام مرگ.

اصناف و مراتب فرشتگان: از مجموعه آیات و روایات این مقدار بر میآید که فرشتگان مراتب و مدارج مختلفی دارند و گروهی در زمره کارگزاران گروه دیگر به شمار میآیند.

تمثل فرشتگان: هرچند فرشتگان وجودی نامحسوس دارند، میتوانند در چهره انسانی تمثل یابند قرآن با اشاره به پاره ای وقایع تاریخی بر این مطلب صحه میگذارد

2- جن: موجود فراطبیعی دیگری که در شرایط عادی قابل تجربه حسی نیست جن است.

سرشت جن: بر خلاف فرشتگان قرآن صریحاً از دست مایه آفرینش جن سخن گفته است

«و خلق الجن من نار» و جن را از تشعشعی از آتش خلق کرد

تقدم جن بر انسان در آفرینش: در قرآن کریم آمده است که جن پیش از انسان آفریده شده و آفرینش او بر خلقت انسان مقدم است.

شعور، اختیار و تکلیف: جنیان از شعور، اراده و اختیار برخوردارند و از این رو، مانند آدمیان، «مکلف» اند

زندگانی جمعی: از پاره ای از آیات نیز چنین بر میآید که خداوند در میان جنیان نیز پیامبرانی را برانگیخته تا آیات الهی را بر آنان عرضه کنند

رابطه جن و انسان: هر چند جن در شرایط عادی نامحسوس است گاه میان برخی انسانها و گروهی از جنیان ارتباط خاصی برقرار میگردد. به گواهی قرآن گروهی از جنیان در زمره کارگزاران و سپاهیان سلیمان بوده و به او خدمت میکردند

3-شیطان: سومین موجود نامحسوسی که در متون دینی ما از آن نام برده شده شیطان یا ابلیس است و از نخست شیطان گاه در

معنای وصفی به معنای شریر و بدکار به کار میرود

«جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» و بدینگونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان های انس و جن برگماشتیم

ماهیت شیطان: قرآن آشکارا اعلام میدارد که شیطان از جماعت جنیان بوده است « فَسَجَدُوا إِلَّا أِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ » همه ، جز ابلیس سجده کردند

سرگذشت شیطان: شیطان سرگذشتی بس شگفت انگیز و درس آموز دارد که در مواضع گوناگونی از قرآن کریم به آن اشاره شده

است. بر پایه آیات قرآن آمده که شیطان بدلیل فراوانی عبادت در زمره فرشتگان جای گرفت. پس از آفرینش آدم ، خداوند ، فرشتگان

– از جمله شیطان- را فرمان داد که بر آدم سجده کنند؛ اما در این میان تنها شیطان سرباز زد و از سجده استکبار ورزید.

کارهای شیطان: شیطان به روشهای گوناگونی برای گمراه ساختن انسانها توسل میجوید: یکی از روشهای او ایجاد وسوسه در انسان

برای انجام گناه است. به گواهی قرآن ، شیطان از طریق وسوسه کردن آدم و حوّا، آنان را به خوردن از شجره ممنوعه راغب کرد و با سوگند دروغ، آنان را فریب داد.